

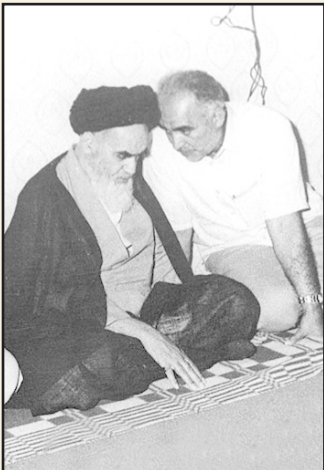
پیش‌خواران

سلوک فردی، خانوادگی و اجتماعی شهید مهدی عراقی در آینه‌ی یک اثر نوانشار

پیشگام مبارزه از نمایی نزدیک

■ **محمد رضا کائینی**

اثر نوانشاری که هم‌اینگ در معرفی آن سخن می‌رود، در عداد یادمان‌های شهید حاج مهدی عراقی است که برای تهیه آن از روش تاریخ شفاهی مدد گرفته شده است. «درآمد» به همت وحید خضاب و رضا اکبری اهنگر تهیه شده و پژوهشکده مطالعات تاریخ معاصر ایران، به انتشار آن همت گماشته است. مؤلفان در دیپاچه خویش بر این مجموعه در باب موضوع و محتوای آن چنین آورده‌اند: «نه تاریخ، منحصر به تاریخ سیاسی است و نه در بهره‌گیری از آن باید به عبرت‌های سیاستمدارانه اکتفا کرد. یکی از مهم‌ترین فصل‌های کتاب تاریخ را می‌توان به‌خاطر اخلاقی اختصاص داد؛ خاطراتی که چه بسا برخی از آنها به تنهایی، بیش از یک سنخ‌زانی اخلاقی اثر گذار باشند و پاسخگوی این پرسش که مگر می‌توان در عصر حاضر، اینگونه زیست؟ جنبه‌های اخلاقی مدارانه تاریخ، مسئله مهمی است که به آن کمتر عنایت شده و اگر هم به اقتضائاتی ذکر ی از آن به میان آمده، به صورت مدون درباره روش‌های تربیتی و رفتار با خانواده نبوده است. در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، آن میزان که به سیره و سلوک فردی، خانوادگی و اجتماعی شهدای دفاع مقدس پرداخته شده، به‌اینگونه ابعاد شخصیتی بزرگانی که در عرصه مدیریت نهضت و انقلاب اسلامی حماسه آفریدند، صفحات قابل توجهی اختصاص داده نشده است. اقدامات صورت گرفته نیز بیشتر درباره شخصیت‌هایی همچون شهید آیت‌الله دکتر بهشتی و امام موسی صدر بوده و بررسی و تدوین چگونگی رفتار با خانواده و روش‌های تربیتی دیگر بزرگان، مورد غفلت قرار گرفته است. بنابراین بر آن شدیم تا به مدد الهی، این رسالت را بر دوش کشیده و مجموعه کتبی



▼ **۱۳۵۸ شهید مهدی عراقی در گفت‌وگو با امام خمینی**

را برپامون سیره و سلوک فردی، خانوادگی و اجتماعی برخی از حساسه‌ها فرینان انقلاب اسلامی، تولید و تقدیم کنیم. کتبی که اولاً، ما را در شناخت هرچه بیشتر دیگر ابعاد شخصیتی این افراد یاری می‌کنند؛ ابعدی که چه بسا در عرصه امور سیاسی، به گونه‌ای دیگر بروز و ظهور کرده و تاکنون تعریفی متفاوت از آن فرد به تاریخ ارائه شده باشد. ثانیاً، علاوه بر آنکه تصویر کامل‌تری از شخصیت‌های میدان مبارزه به تصویر کشیده می‌شود، در لابه‌لای این خاطرات اخلاقی، قطعات جدیدی از پازل تاریخ سیاسی معاصر نیز یافت و تکمیل می‌شود. نهایتاً می‌توان از مجموع اینگونه خاطرات، برای ترسیم الگوی قابل توجهی در زمینه رفتارهای اسلامی- ایرانی بهره برد. بی‌شک ممکن است برخی از این رفتارها قابلیت نقد نیز داشته باشند، اما همین امر نیز به کمک تاریخ ما می‌آید تا تصویری نزدیک‌تر را از چهره‌های بنام، برپایان ثبت نماید و ما را از ترسیم شخصیت‌های معصوم، گونه، تخیلی و دست‌یافتنی بر حذر دارد.

جلد اول این مجموعه، به ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی شهید حاج مهدی عراقی (ره) اختصاص یافته است. بزرگ‌مردی که نه تنها نگاه به او از چنین زاویه‌ای به این شکل سابقه نداشته، بلکه متأسفانه از اساس، آثار زیادی در مورد وی تهیه نشده است. از همین رو برخی از خاطرات مذکور در این اثر، برای اولین بار است که ذکر و منتشر می‌شود. در گفت‌وگوهای آموزنده و شیرین، بیش از هشت ساعت از محضر همسرمکره ایشان و یکی از دو فرزندشان، یعنی جناب آقای حاج امیر عراقی بهره بردیم، اما از آنجا که توفیق مصاحبه با دیگر فرزندان جناب آقای حاج نادر عراقی میسر نشد، مصاحبه تفصیلی ایشان با مجله شاهد یاران را به کتاب ضمیمه کردیم. در پایان بر خود لازم می‌دانیم تا از عنایت و پشتیبانی مسئولان مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، به ویژه جناب آقای دکتر موسی حقانی، در به ثمر رسیدن هرچه بهتر این اثر کمال امتنان و سپاس را داشته باشیم…»

■ **احمد رضا صدیقی**

در تاریخ نفت ایران، خردادماه هم موسم اکتشاف طلای سیاه و هم موعد انعقاد قرارداد داریسی است. دومی موجب شد تا سهم ملت از اولی و در دوران پهلوی ها به حداقل ممکن برسد! هم از این روی باز خوانی فراز و فرودهای قرارداد داریسی، بهنگام و مفید می‌نماید. در مقال بی آمده، تلاش شده است تا ابجدی از این قرارداد مورد ارزیابی قرار گیرد. مستندات این نوشتار، بر تارنمای پژوهشکده تاریخ معاصر ایران موجود است. امید آنکه محققان و عموم علاقه مندان را، مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **اکتشاف نفت، انعقاد داریسی، آغازی بر مداخلات همه جانبه انگلستان در ایران**

اکتشاف نفت در ایران تا مدت‌ها به جای آنکه اسباب آسایش مردمان این دیار باشد، موجب وبال و آزار ایشان شد. نفت کشور ما، ابتدا توسط ویلیام داریسی کشف و هم او وارد فرایند خرید آن شد. با این همه پس از چندی، انگلستان تمامی سهام شرکت داریسی را خرید و به دولت ایران این پیام را مخابره کرد که مخاطب او نه یک فرد، بلکه یک امپراطوری استعماری است. از آن دوره به بعد، مداخلات انگلیسی‌ها در ایران، وارد مرحله‌ای تازه شد. دکتر موسی فقیه حقانی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، این فرایند را اینگونه ارزیابی کرده است:

«قرارداد داریسی در سال ۱۹۰۱م، از سوی ویلیام داریسی و دولت ایران بسته شد. داریسی در سال ۱۹۰۸ م، در ایران به نفت دست پیدا کرد و از آن زمان به بعد سیاست انگلستان در برابر ایران تغییر کرد. پس از آنکه قرارداد داریسی در دولت امین السلطان، بین ویلیام داریسی و رئیس دولت ایران بسته و توسط مظفرالدین‌شاه امضا شد، آنان متعهد شدند که بعد از کشف نفت، ۱۶ درصد سود سهام آن را به ایران بدهند و علاوه بر آن هم، مقداری پول نفت را به ایران تحویل دهند. داریسی منابع این پول نفت را ۲ هزار تومان و برخی دیگر ۲۰ هزار لیره ذکر کردند. انگلستان در سال ۱۹۰۹، سهام داریسی از شرکت نفت ایران و انگلیس را خرید و در سال ۱۹۱۴، دولت انگلیس ۵۶ درصد سهام شرکت نفت ایران و انگلیس را از آن خود کرد و دو تن از نمایندگان دولت انگلیس با استفاده از حق وتو، در

«

بی تردید در استخراج نفت ایران، طرف انگلیسی بس کامیاب و منتفع بود، از این روی و به مدد فشار و قهر هم از پرداخت حقوق قانونی کشورمان سر باز می‌زد و هم در صدد بود که مدت این معاهده را برای سالیان طولانی تمدید نماید. با تجربه‌ای که از مذاکرات نمایندگان ایران با برگزیدگان کمپانی به دست آمد، مشخص گشت که طرف انگلیسی مایل است تا همچنان در به باشنه سابق بچرخد و نفت ایران را به ثمن بخص ببرد

عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷



راه پر پیچ‌وخم قرارداد داریسی، در آینه روایت‌ها و تحلیل‌ها

معاهده‌ای که با رشوه آغاز شد

و با تهدید تداوم یافت!

فراهم شد. مجلس ایران بعد از مشروطه، هیچ‌گاه قرارداد داریسی را تمدید نکرد، اما رضاخان در یک جلسه نیم‌ساعته، قرارداد دیگری را تمدید کرد. برخی ذکر می‌کنند که انگلیسی‌ها به رضاخان حکم کردند که باید قرارداد تمدید شود. رضاخان بعد از اندکی تأمل در این باره به انگلیسی‌ها گفت: همان کاری که ما به خاطر آن دیگران (قاجاریه) را شعات کردیم، توقع دارید آن را انجام مدهم؟ که؟ انگلیسی‌ها گفتند: بله باید انجام دهی....»

■ **رشوه‌های قرارداد داریسی، در گام نخست** از جانب‌ترتکات درباره آغاز بهره‌برداری نفتی در ایران، این بود که اساساً این فرایند با رشوه آغاز شد. داریسی که عادات زمامداران ایرانی را خوب می‌شناخت، به سه تن از زمامداران از جمله علی اصغرخان اتابک صدراعظم وقت، رشوه پرداخت کرد؛ اتابک در قبال دریافت این مبلغ، متعهد بود که اصل و مفاد قرارداد را از انظار انگلیسی‌ها دور نگه دارد. محمد اسماعیل شیخانی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در بسط این نکته آورده است:

«ویلیام ناکس داریسی که یک تاجر انگلیسی بود، قرار بود حق اکتشاف و استخراج نفت در ایران را به صورت انحصاری در اختیار خود درآورد و به سیاق سایر سرمایه‌گذاران انگلیسی، تمایلی نداشت. تودک تاریک ایرانی داشته متعهد وی براساس شناختی که از تیپولوژی روانی و البته ذائقه اقتصادی دولتمردان ایرانی به دست آورده بود، دست به جیب‌شد و اطراف و اکناف شاه را رشوه‌داد تا اصطلاحاً کارش پیش بیفتد و بتواند قرارداد را جلو ببرد. در این قرارداد نیز مثلث امن‌السلطان مشیرالدوله و مهندس‌الممالک پای کار رشوه‌گیری آمدند و تسریع قرارداد را پیش بردند. اسناد تاریخی در اینجا نیز مؤید این مهم است که نماینده داریسی حدود ۱۰ هزار لیره به اتابک و سهایی معادل ۱۰ هزار لیره به اتابک، ۵ هزار لیره به مشیرالدوله و ۵ هزار لیره به مهندس‌الممالک به عنوان تعارف تسلیم کرد. در رأس رشوه‌گیران امین‌السلطان قرار داشت که کار خیریش این بود هم رشوه بگیرد و هم قرارداد را از انظار و رصد روس‌ها مخفی نگه دارد تا مبادا آنها نیز درخواست امتیازی مشابه کنند یا اینکه به کل جلوی عقد قرارداد را بگیرند...»



▼ **نمایش از چشمن یادگانی به مناسبت آیین‌زدن قرارداد داریسی، در میدان**

اکتشاف نفت در ایران تا مدت‌ها به جای آنکه اسباب آسایش مردمان این دیار باشد، موجب وبال و آزار ایشان شد. نفت کشور ما، ابتدا توسط ویلیام داریسی کشف و هم او وارد فرایند خرید آن شد. با این همه و پس از چندی، انگلستان تمامی سهام شرکت داریسی را خرید و به دولت ایران این پیام را مخابره کرد که مخاطب او نه یک فرد، بلکه یک امپراطوری استعماری است. از آن دوره به بعد، مداخلات انگلیسی‌ها در ایران، وارد مرحله‌ای جدید شد

■ **نمایش رضاخان برای تمدید قرارداد داریسی**

بی‌تردید در استخراج نفت ایران، طرف انگلیسی بس کامیاب و منتفع بود، از این روی و به مدد فشار و قهر هم از پرداخت حقوق قانونی کشورمان سر باز می‌زد و هم در صدد بود که مدت این معاهده را برای سالیان طولانی تمدید نماید. با تجربه‌ای که از مذاکرات نمایندگان ایران با برگزیدگان کمپانی به دست آمد، مشخص گشت که طرف انگلیسی مایل است تا همچنان در به باشنه سابق بچرخد و نفت ایران را به ثمن بخص ببرد. سارا اکبری پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این فقره می‌نویسد: «در زمان مظفرالدین‌شاه و در سال ۱۹۰۱م، امتیاز نفت ایران به مدت ۶۰ سال به ویلیام ناکس داریسی واگذار شد. با اجرای عملیات اکتشاف نفت در منطقه چاه قصر شیرین و سپس در منطقه مسجد سلیمان، مذاکراتی با شرکت نفت داریسی انجام شد و به دنبال آن در سال ۱۹۰۹م، شرکت نفت ایران و انگلیس به ثبت رسید. اندک زمانی بعد، از طرف شرکت سابق داریسی که اینک با نام شرکت نفت ایران و انگلیس فعالیت می‌کرد، کارشنک‌های متعددی انجام شد. با وقوع جنگ جهانی اول، شرکت داریسی سهم منافع ایران را به بهانه بحران اقتصاد جهانی، کاهش داد و در پرداخت درآمد صدی شازده به این شرکت، انگلیسی‌ها در توافق قبلی آن را امضا کرده بودند، خودداری و بسا این کار زمینه اختلاف میان دو دولت را فراهم کرد. (طی ماده ۱۰ امتیازنامه، حق‌السهم ایران ۱۶ درصد از سود خالص شرکت تعیین شده بود). افزون بر این، انگلیسی‌ها با این بهانه که پشتیباری‌ها مانع کار آنها شده‌اند یا اینکه مزدوران ایرانی لوله‌های نفت را شکسته‌اند، در حالی که باید به آنها حقوق می‌پرداختند، ادعای غرامت کردند و مبالغی از آنچه طبق قرارداد باید به ایران می‌پرداختند، کسر کردند. پس از جنگ جهانی اول، شرکت نفت ایران و انگلیس درآمدهای خود را به ایران تحویل داد و در پرداخت نیز در صورتی که به شاه می‌گفتند: بسیار خب ما حرفی نداریم، پس مرخص بفرمایید که دوباره برگردید به جامعه ملل.... و با همین تهدید مقاومت شاه را در هم می‌شکستند! بنابراین سر قاجان کدمن حریف زبردست و رشاهه، با اطلاع از مسئله تمدید امتیاز را در آخرین روزهای اقاقتش در تهران پیش کشید و رشاهه را در مقابل خواسته‌ای قرارداد که رد کردنش بی آنکه حاکمیت ایران به خوزستان به خطر بیفتد، واقف‌امکان نداشت. کدمن بی‌بره بود که رشاهه از ارجاع مجدد پرونده نفت به جامعه ملل هراسان است، چون موضوع پیش در آنجا با توجه به نفوذ بی‌چون‌وچرای انگلستان میان دولت‌های عضو، تقریباً حتمی بود و ارتش و نیروی دریایی انگلیس هم پس از صدور حکم جامعه ملل علیه ایران، به‌راحتی می‌توانستند خوزستان را اشغال کنند و رشاهه را در مقابل مسئولی بسیار مشکل‌تر از مسئله نفت قرار دهند. علاوه بر این، هم‌زمان با شروع بحران نفت، جعفر سلطان باغی معروف از کدمن نیز در کردستان قیام و حکومت مرکزی را با غائله‌ای سهمگین روبه‌رو کرده بود. بنابراین کدمن با آگاهی از همه این واقعیت‌ها، هر موقع که مذاکرات تهران به مانع برمی‌خورد، فوراً به شیوه‌های مختلف رشاهه را تهدید به قطع مذاکرات و تسلیم مجدد پرونده نفت به جامعه ملل می‌کرد؛ چنان مطمئن بود که شاه ایران، هر راه‌حلی را به بازگشت علی‌اکبر داور به ژنو و مواجهه مجدد با سر جان سیمون ترجیح می‌دهد...»

■ **کلام آخر** داستان انگ‌نم نفت ایران، در اینجا به انتها نمی‌رسد. پس از اخراج رضاخان از ایران در شهریور ۲۰، موجی بزرگ از خودکامی‌ها و حق‌طلبی، سراسر کشور را فراگرفت و نفت ایران ملی شد. انگلیس و هم پیمان‌نوین او آمریکا، این دادخواهی را بر نناقتند و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ و به مدت ۲۶ سال دیگر، به غارت این منبع خدادادی مشغول شدند. با این همه در بهمن ۱۳۵۷، نفت ایران نه روی کاغذ که در عمل ملی گشت و دست انگلستان برای همیشه، از این ثروت ملی کوتاه شد.